

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»

سال اول، شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۵؛ صص ۸۷-۱۰۶

مطالعه تطبیقی آراء مفسران فریقین در چیستی و کجایی «البیت المعمور»

زهره اخوان مقدم^۱

ناهید شاهمیرانی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۷)

چکیده

«البیت المعمور» یک ترکیب وصفی قرآنی به معنای خانه آباد است، که خداوند در سوره طور پس از سه قسم، یک بار بدان قسم خورده، و از حیث اهمیت، در دیدگاه بیشتر مفسران قابلیت هم‌سنگی با بیت الحرام را دارا می‌باشد. این ترکیب در ادبیات پیش از اسلام به کار نرفته، و ظاهراً نخستین بار در قرآن کریم از آن یاد شده است. از سوی مفسران فریقین، اقوال مختلفی درباره این ترکیب بیان شده؛ برخی آن را در زمین می‌دانند که یا کعبه است و یا قلب مؤمنان. برخی آن را در آسمان می‌دانند؛ که در آسمان دنیا، یا آسمان چهارم و یا آسمان هفتم قرار دارد. روایات نیز در این باب همداستان نیستند. به نظر می‌رسد قول راجح نزد فریقین، آن است که در آسمان چهارم قرار دارد و محاذی کعبه است. معمور بودن آن نیز به سبب زیارت تعداد بسیار زیادی از ملائکه می‌باشد. برخی روایات، بر نزول قرآن در ماه رمضان بر بیت المعمور تصریح دارند، که توجیهی جز حمل بر نزول دفعی قرآن، برای آن نمی‌توان داشت. لذا در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی است تلاش شده چیستی و کجایی بیت المعمور از دیدگاه مفسران فریقین و البته با کاربری روایات مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژگان: سوره طور، البیت المعمور، مفسران فریقین، نزول دفعی، نزول تدریجی.

^۱ - استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ دانشکده علوم و فنون قرائت تهران (نویسنده مسئول):

dr.zo.akhavan@gmail.com

nahid_shahmirani@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد تفسیر قرآن مجید:

۱- مقدمه

ترکیب «البیت المعمور» تنها یک بار در آیه چهارم سوره طور آمده است. در آغاز این سوره خداوند در کنار چند قَسَم، به آن نیز سوگند یاد کرده است. (وَالطُّورِ* وَكِتَابِ مَسْطُورٍ* فِي رَقٍّ مَّنشورٍ* وَالْبَيْتِ المَعْمُورِ* وَالسَّقْفِ المَرْفُوعِ) (طور / ۱-۵). سوگند خداوند به «بیت المعمور» حاکی از قداست، حرمت و عظمت والای این خانه آباد در پیشگاه اوست. بیان گذرا در آیه، بدون هیچ توضیحی، توجه بسیاری از مفسران را به خود جلب نموده و ایشان در چپستی این خانه مقدس اختلاف نظر دارند؛ که در روی زمین است و یا آسمان. نیز درباره محل آسمانی این خانه متفق القول نیستند و گاه آن را در آسمان هفتم، آسمان چهارم، زیر عرش و... می‌دانند. رابطه طوفان نوح و بیت المعمور، مشاهدات پیامبر در شب معراج و گذر از این بیت، جنس فرشتگان نمازگزار در آنجا، ارتباط این خانه با مباحث نزول قرآن، و معادل بودن بیت المعمور با قلب پیامبر اعظم (ص) نیز از مباحث اختلافی می‌باشد. از آنجا که یک عبارت قرآنی مورد اختلاف واقع شده، و نیز این «بیت» ارتباط نزدیکی با اصل مسئله نزول قرآن دارد، و فهم نزول دفعی یا تدریجی قرآن بدان وابسته است، ضرورت دارد که با تکیه به آیات و تفسیر آنها، و روایات دیگر تلاش شود تا ابهام برطرف گردد. نظر به اینکه مفهوم و جایگاه بیت المعمور از دیرباز مورد اختلاف بوده، پژوهش حاضر در پی آن است تا با تطبیق نظرات مفسران شیعه و اهل سنت، و با استمداد از آیات قرآن و روایات، نتیجه را ارائه نموده و به این سؤال پاسخ دهد که بیت المعمور چیست و کجاست؟ به نظر می‌رسد در بین نظریه‌های مختلف، اینکه بیت المعمور در آسمان چهارم و محاذی کعبه باشد ارجح است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی، به صورت تطبیقی و با ابزار کتابخانه‌ای برای جمع آوری اطلاعات می‌باشد.

۲- مفهوم شناسی ترکیب «البیت المعمور»

۲-۱- مفهوم لغت

البیت المعمور ترکیبی وصفی از «بیت» و «معمور» است و بیت در لغت به معنای: مسکن، خانه، منزل و پناهگاه می‌باشد (فراهیدی، بی تا: ج ۸، ص ۱۳۸). طبرسی می‌گوید: «بیت و منزل و

مأوی نظیر هم‌اند و بیت شعر را از آن جهت بیت گویند که حروف و کلام را جمع کرده، مثل منزل که اهلش را جمع می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۸۱). برخی از اهل لغت اصل «بیت» را جایگاه و پناهگاه انسان در شب دانسته‌اند زیرا می‌گویند «بات» یعنی در شب اقامت گزید و ساکن شد (جوهری، بی تا: ج ۱، ص ۲۴۵). «معمور» از ریشه «عمر» می‌باشد و مصدر آن «عِمَارَةٌ و عَمْرَانٌ» به معنای «آباد کردن» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۸۷).

۲-۲- مفهوم اصطلاحی

خداوند در قرآن کریم یک‌بار به این مکان سوگند خورده و فرموده: (وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ) (طور/۴) و مفسران درباره چیستی و کجایی این خانه مقدس اختلاف نظر دارند. عده‌ای با توجه به این‌که در قرآن از کعبه با نام بیت یاد شده، بیت‌المعمور را به کعبه تفسیر کرده‌اند که به وسیله زائران و حاجیان همواره معمور و آباد است و نخستین خانه‌ای است که برای عبادت بر روی زمین ساخته و آباد شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۲۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۶). دیگران معتقداند مکانی مقدس است که در آسمان اول، یا چهارم، یا ششم یا هفتم قرار دارد و آبادانی آن به کثرت طواف فرشتگان می‌باشد (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷، ص ۶۱)، زیرا خانه ایست که به محاذات و مقابل کعبه قرار گرفته و محل زیارت ملائکه است و هر روز هفتاد هزار فرشته آنرا زیارت می‌کنند و تعداد ملائکه به حدی است که هرگز دوباره نوبت به آنها نمی‌رسد (ابن منظور، بی تا: ج ۴، ص ۶۰۴). درباره شکل ظاهری بیت‌المعمور نیز روایاتی بیان شده که آن را چهارضلعی یا مدور می‌شمرند ولی این دیدگاه‌ها در میان مفسران فریقین طرفداری ندارد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۴۰۲). بر اساس روایتی، اصلاً کعبه مربع ساخته شده، چون محاذی بیت‌المعمور است و بیت‌المعمور مربع است، زیرا در محاذات عرش قرار دارد و عرش نیز مربع است، زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهارتاست: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۸۲).

۳- محل «البیت المعمور»

دیدگاه‌های ارائه شده در باره محل بیت‌المعمور متفاوت است. با توجه به نظریه‌های مفسران، می‌توان چنین دسته‌بندی‌ای را ارائه کرد:

۳-۱- آراء ناظر بر «زمینی بودن» بیت المعمور

برخی از مفسران، بیت‌المعمور را یک مکان مقدس بر روی زمین می‌دانند و جایگاه آسمانی برای آن قائل نیستند ولی در کجائی آن نیز اتفاق نظر ندارند. این گروه خود به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

۳-۱-۱- کعبه به عنوان بیت المعمور

برخی بیت المعمور را همان کعبه در زمین می‌دانند که در طول سال با زیارت حاجیان و عمره‌گزاران آباد می‌شود. بنا به گزارش مفسران نخستین، احتمالاً حسن بصری نخستین فرد از تابعان بوده که این نظر را مطرح کرده است (بصری، ۱۹۹۲: ج ۲، ص ۳۰۵). این نظریه در میان مفسران در سده‌های بعد به شکل یک احتمال ذکر می‌شود (بقاعی، ۱۴۲۲: ج ۱۹، ص ۴-۵)؛ ولی در پی رواج رویکرد عقلی، در تفاسیر اجتهادی معاصر نیز با اقبال جدی مواجه گشته و به نظریه غالب مفسران بدل گردیده است (ابن عاشور، بی تا: ج ۲۷، ص ۵۴-۵۵).

از مفسران شیعی که دیدگاه کعبه بودن بیت‌المعمور را پذیرفته‌اند، می‌توان قمی مشهدی (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۳۳۱)، حسین بن علی کاشفی (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۱۱۷۹)، ابوجعفر طوسی (طوسی، ۱۴۲۰: ج ۹، ص ۴۰۲)، علی اکبر قرشی (قرشی، ۱۳۶۶: ج ۱۰، ص ۳۶۷) را نام برد و از مفسران سنی نیز می‌توان به ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۱۷۶)، ابوالسعود (ابوالسعود، ۱۴۱۱: ج ۸، ص ۱۴۶)، یونس خطیب (یونس خطیب، بی تا: ج ۴، ص ۵۴۳)، آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴، ص ۲۸)، فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۸، ص ۱۹۸)، ابن عاشور (ابن عاشور، بی تا: ج ۲۷، ص ۵۴)، زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۴۰۸) اشاره نمود.

۳-۱-۲- بیت المقدس به عنوان بیت المعمور

دیدگاه دوم بیت المعمور را در زمین و همان بیت المقدس می‌شمارد و برخی روایات نیز مؤید این قول است که به دلیل حضور شمار زیادی از پیامبران در آن آباد گردیده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۸، ص ۳۹۴). در توصیف وجه به کارگیری تعبیر سرزمین مقدس در قرآن برای این منطقه، به آبادانی‌های آن مانند پرنعمت بودن، آب فراوان و زمین حاصل‌خیز اشاره شده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۱، ص ۲۱۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۹۰). از میان کسانی که به صراحت به این موضوع اشاره کرده‌اند می‌توان محمداقصر مجلسی را نام برد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۸، ص ۳۹۵).

۳-۱-۳- مسجد الاقصی به عنوان بیت المعمور

عبدالحسین طیب مسجد الاقصی را همان بیت المعمور می‌داند. از دیدگاه وی، بیت المعمور دورترین مسجد از مسجد الحرام است. بدین روی، پیامبر مستقیماً از مسجد الحرام به بیت المعمور عروج داشته‌اند و نه بیت المقدس (طیب، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۹۴).

۳-۱-۴- قلب پیامبر به عنوان بیت المعمور

بعضی از مفسران بیت المعمور را قلب پیامبر دانسته‌اند که ابتدا خداوند قرآن را بر آن نازل کرده و سپس در مدت ۲۳ سال از قلب به لسان شریف پیامبر جریان یافته است. ارتباط بین بیت المعمور و مسئله نزول قرآن بدین سبب برقرار شده که سیاق بدان اشاره دارد و قبل از این ترکیب وصفی، سخن از کتاب مسطور به میان آمده است. فیض کاشانی در مقدمه تفسیر صافی گفته که قرآن کریم یکبار به صورت دفعی بر قلب پیامبر (ص) نازل شده و یکبار هم به صورت تدریجی بر زبان آن حضرت جاری گشته، و منظور از بیت المعمور نیز که در حدیث آمده همان قلب پیامبر (ص) است به گونه‌ای که در این آیه شریفه آمده است: (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ) (شعراء/ ۱۹۳-۱۹۴) یعنی: قرآن را روح الامین بر قلب تو

نازل کرده است. فیض کاشانی چنین توضیح می‌دهد که مجموع قرآن به یکباره بر قلب پیامبر نازل شده و سپس در طول بیست سال به تدریج از باطن قلب پیامبر به ظاهر زبان آن حضرت آمده و این هنگامی صورت می‌گرفت که جبرئیل بر پیامبر وحی می‌آورد و الفاظ قرآن را بر او می‌خواند. فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱ ص ۵۶۴). ابو عبدالله زنجانی نیز در همین زمینه می‌گوید: روح قرآن که اهداف عالی قرآن است در آن شب بر قلب پیامبر تجلی یافت سپس در طول سالها بر زبان مبارکش ظاهر شد (زنجانی، ۱۳۴۱: ص ۳۵).

۳-۱-۵- دل‌های مؤمنان به عنوان بیت المعمور

برخی مفسران گفته‌اند: منظور از بیت المعمور دل‌های مؤمنان است که با معرفت و اخلاص آباد است (حقی بروسوی، بی تا: ج ۹، ص ۱۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۴۱۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۵، ص ۱۵۲).

۳-۲- آراء ناظر بر آسمانی بودن مکان «بیت المعمور»

بسیاری از صحابه و تابعان، بیت‌المعمور را خانه‌ای در آسمان می‌دانند که دقیقاً مقابل کعبه قرار دارد. با این وجود رأی واحدی درباره‌ی محل و مکان آن در آسمان وجود ندارد و آن را در آسمان دنیا، آسمان چهارم، ششم، هفتم یا در فوق هفت آسمان و زیر عرش یا متصل به آن دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۷، ص ۲۲-۲۴؛ سیوطی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۱۷-۱۱۸). برخی مفسران با این فرض که تمام اخبار در باره‌ی بیت‌المعمور صحت داشته باشد، وجود آن را در همه‌ی آن مکان‌ها را جایز شمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ص ۶۱؛ قمی مشهدی: ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۴۴۶). کتب روایی شیعی همانند جوامع تفسیری و روایی اهل سنت، بیت‌المعمور را با اندکی تفاوت با توصیفات آسمانی یاد شده آورده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ص ۶۱-۵۵).

روایاتی نیز بیان می‌کنند که ضراح -که توضیح آن خواهد آمد- در آسمان چهارم و بیت‌المعمور در آسمان دنیا قرار دارد (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۴۰)، چنان‌که نام دیگر بیت

المعمور را در آسمان دنیا «بيت العزه» دانسته‌اند (ابن کثیر: بی تا، ج ۴، ص ۲۵۶). پاره‌ای از روایات یاد شده در توصیف بیت المعمور علی رغم شهرت، ضعیف و ساختگی توصیف شده‌اند. سیوطی خود برخی روایاتی که خودش در آثارش نقل کرده، را ساختگی می‌شمارد (سیوطی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۱۷).

از میان مفسران شیعی که بیت‌المعمور را در آسمان می‌دانند می‌توان از صاحب مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۳، ص ۳۴۰)، صاحب کنزالدقائق (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۲، ص ۴۴۴)، صاحب البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی، ۱۴۱۹: ج ۵، ص ۱۷۶)، صاحب التبیان (طوسی، ۱۴۲۰: ج ۹، ص ۴۰۲)، و صاحب الصافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۷۷) نام برد. از میان مفسران عامه نیز می‌توان از صاحب جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۷، ص ۱۰)، صاحب أنوار التنزیل و أسرار التأویل (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۵، ص ۱۵۲)، صاحب الدرالمثور (سیوطی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۱۷)، صاحب روح البیان (حقی بروسوی، بی تا: ج ۹، ص ۱۸۵)، صاحب الجامع لأحكام القرآن (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷، ص ۶۱)، و صاحب الکشاف (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۴۰۸) نام برد. بیشتر این مفسران بر روی وجود بیت‌المعمور در آسمان چهارم تأکید می‌کنند.

در علت بنای این ساختمان در آسمان، سخنانی دیگر نیز در روایات آمده است. از جمله آنکه این خانه از بهشت به زمین آورده شده و در محل کعبه نصب شده است، اما هنگام طوفان نوح آن را به آسمان برده‌اند تا عبادتگاه فرشتگان باشد؛ و فرشته‌هایی که در آن نماز می‌گزارند از قبیله‌ی ابلیس‌اند و به آنها جن گفته می‌شود. پیامبر در لیلۃ الاسراء بدانجا رفته و ابراهیم را تکیه کننده بر دیوار آن دیده، و فرشتگان و انبیا در آنجا با پیامبر نماز گزارده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۱۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۱، ص ۱۰). بسیاری از این روایات عیناً برگرفته از جوامع تفسیری و روایی اهل سنت است، اما روایاتی نیز از امام چهارم (ع) و امام ششم (ع) در علت بنای بیت‌المعمور آمده است که مطابق آنها، ملائکه پس از اعتراض به خلقت آدم، از نور الهی محجوب گشتند، تا آنکه به عرش خداوند پناه برده و مورد رحمت قرار گرفتند و خداوند

بیت المعمور را برایشان در آسمان چهارم قرار داد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۸۷؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ص ۴۰۲ و ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ص ۱۵۵).

۴- قداست و شرافت «بیت المعمور»

ترکیب «البیت المعمور» تنها یک بار در آیه چهارم از سوره طور آمده است. در آغاز این سوره خداوند در کنار چند قَسَم، به این خانه نیز سوگند یاد کرده است: (وَالطُّورِ* وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ* فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ* وَالْبَيْتِ الْمُعْمُورِ* وَالسَّيْفِ الْمُرْفُوعِ* وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ) (طور/ ۱-۶). سوگند خداوند به «البیت المعمور» حاکی از قداست، حرمت و عظمت والای این خانه آباد در پیشگاه اوست. برخی از مفسران با توجه به این که در قرآن از کعبه با نام بیت یاد شده که محترم و مقدس است، بیت المعمور را به کعبه تفسیر کرده اند که حرمت دارد و به وسیله زائران همواره آباد است و نخستین خانه ای است که برای عبادت بر روی زمین ساخته شده است (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۹، ص ۳۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۲۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۶). پس حرمت بیت المعمور در آسمانها همانند حرمت کعبه در زمین است، و به محاذات آن بنا شده است (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۶۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ج ۱۸، ص ۱۲۳). با توجه به این که بیت المعمور حقیقت مثالی کعبه در عوالم غیبی آسمان چهارم یا هفتم است، مقصود از محاذات آن با کعبه محاذات معنوی است نه مادی. لذا این شبهه که: «اگر بیت المعمور در آسمان همواره محاذی کعبه باشد باید هم زمین حرکت کند هم آسمان، و یا هیچ یک حرکت نکنند، چون اگر یکی حرکت کند و دیگری ساکن باشد از محاذات یکدیگر بیرون می روند» ظاهرنگری ناشی از پندار جسمانی بودن بیت المعمور است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۸، ص ۱۷۱).

۵- بیت المعمور از دیدگاه روایات

۵-۱- روایات شیعه درباره «بیت المعمور»

روایات متعددی از ائمه در باره بیت المعمور نقل شده، که نشان از اهمیت و قداست و جایگاه آن دارد. در روایتی گفته شده است که نام محمد، علی، حسن، حسین و ائمه (علیهم السلام) و

شیعیانشان بر پوستی از نور نوشته، و آویخته بر بیت‌المعمور است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۷).

در روایت دیگری امام باقر (ع) فرمودند: وقتی پیامبر(ص) در معراج به بیت‌المعمور رسیدند، وقت نماز شد و جبرئیل اذان گفت و رسول‌الله جلو رفت و نماز خواند و ملائکه و پیامبران به آن حضرت اقتداء کردند. سپس حضرت بعد از گفتن اذان فرمودند: رسول خدا(ص) بلال را به همین صورت امر نمودند و او تا پایان عمر شریف آن حضرت به همان صورت اذان می‌گفت (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۳۰۲).

شماری از روایات شیعی نیز از حج گزاردن سالیانه فرشتگان بر گرد بیت‌المعمور یاد کرده، و می‌افزایند طوماری سفید بر آن قرار گرفته که نام پیامبر اسلام، امامان معصوم و پیروان آنها تا قیامت بر آن نوشته شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۸۴). در بعضی روایات به نقل از حضرت علی(ع) از بیت‌المعمور با نام ضُراح یا ضریح یاد شده که همان بیت‌المعمور است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶ ص ۹۷؛ ج ۵۵، ص ۸؛ ج ۹۶، ص ۳۴). تعبیر ضراح از مصدر مضارحه، به معنای مقابله، در باره بیت‌المعمور در منابع لغوی نخستین نیز آمده است (جوهری، بی تا: ج ۱، ص ۳۸۶؛ ابن درید، بی تا: ج ۲، ص ۳۹).

در بحارالانوار حدیثی با سند به نقل از محمد بن مسلم آمده که: عن أبي عبد الله (ع) قال: «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَإِنَّهُ لَيَنْزِلُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، فَيَأْتُونَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ فَيَطُوفُونَ بِهِ، فَإِذَا هُمْ طَافُوا بِهِ نَزَلُوا فَطَافُوا بِالْكَعْبَةِ، فَإِذَا طَافُوا بِهَا أَتَوْا قَبْرَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَوْا قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَوْا قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، ثُمَّ عَرَجُوا، وَ يَنْزِلُ مِثْلَهُمْ أَيْدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۷، ص ۱۲۲)، یعنی: خداوند مخلوقی ندارد که از جهت تعداد، به کثرت ملائکه برسند. هر روز هفتاد هزار فرشته بر بیت‌المعمور نازل شده، پس از طواف آن خانه به زمین می‌آیند و به طواف کعبه می‌پردازند، آنگاه به زیارت قبر رسول‌خدا شتافته و سپس به زیارت قبر امیرالمؤمنین می‌روند و از آنجا به کربلا رفته و پس از زیارت قبر امام حسین به آسمان عروج می‌کنند.

در حدیث دیگری که در این باره نقل شده، آمده که قرآن بر بیت المعمور نازل شده است. «عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» كَيْفَ أُنزِلَ الْقُرْآنُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَإِنَّمَا أُنزِلَ الْقُرْآنُ فِي مُدَّةِ عِشْرِينَ سَنَةً أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ؟ فَقَالَ: أُنزِلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى بَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ أُنزِلَ مِنَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي مُدَّةِ عِشْرِينَ سَنَةً». حفص بن غیاث گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه است که قرآن می فرماید: «ماه رمضان، آن ماهی است که در آن قرآن نازل شده است» ، یعنی می فرماید که قرآن در ماه رمضان نازل شده است، در حالی که قرآن از آغاز تا پایانش در طول بیست سال فرود آمده است؟ آن حضرت فرمود: قرآن یک جا در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شده است، و سپس در مدت بیست سال از بیت المعمور نازل گردیده است (ابن بابویه، ۱۳۸۴: ص ۶۲). در روایت دیگری آمده که بر بیت المعمور نام خدای متعالی نوشته شده است و در این روایت طویل که به پیامبر (ص) آموزش داده شده، و سفارش شده که فقط به مؤمنان یاد بدهد، قسم های متعدد به اسماء خدا داده می شود و در ضمن آن آمده: «وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي لُؤَاءِ الْحَمْدِ الَّذِي أُعْطِيَتْهُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا ص» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۲، ص ۳۷۲)، که نشان می دهد بیت المعمور محل نوشته شدن اسم خداوند است. آیت الله جوادی آملی در همین زمینه می گوید: همان گونه که خداوند با طواف برگرد بیت المعمور توبه فرشتگان را پذیرفت، توبه زائرین خانه خدا را نیز با طواف بر گرد خانه خود خواهد پذیرفت و هرکس آن گونه که شایسته طواف است دور کعبه طواف کند، به بیت معمور صعود می کند و اگر به آن حد صعود کرد و وظائف آن مرحله را ایفا نمود، به مقام عرش خدا می رسد: «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ص ۲۳۹).

۵-۲- بررسی روایات عامه درباره بیت المعمور

در متون عامه نیز روایات متعددی آمده که به برخی از آنها اشاره شد. عمده این روایات را در تفسیر طبری می توان یافت و دیگر مفسران و عالمان، از وی نقل کرده اند. طبری ذیل آیات

سوره طور، در باره آیه سوم می نویسد، رِقْ منشور همان کتاب است. سپس به روایات بیت المعمور می پردازد و معتقد است که آبادانی آن به سبب کثرت زیارت کنندگان است و محل آن محاذی کعبه می باشد. سپس در روایت اول می آورد که بیت معمور جایست که هر روز هفتاد هزار ملک زیارتش می کنند و دیگر نوبت بدانها نمی رسد. روایت بعدی همان روایت امیرالمؤمنین(ع) است که حضرت در آن، در جواب سؤال کننده ای که از محل بیت المعمور می پرسد، می فرماید: خانه ایست در آسمان که به آن ضراح می گویند و محاذی کعبه است و حرمت آن مانند حرمت کعبه می باشد و هر روز ۷۰ هزار ملک آنرا زیارت می کنند و دیگر بدان باز نمی گردند (یعنی نوبت بدانها نمی رسد). حدیث بعدی طبری، نیز از امیر مؤمنان است که می فرماید: بیت معمور بیتی در آسمان است که بدان ضریح می گویند و هر روز ملک زیادی آنرا زیارت می کنند. حدیث بعدی از ابن عباس است که به محاذی بودن آن با کعبه و زیارت ملک اشاره می کند (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۷، ص ۱۰ به بعد). در یک نگاه تطبیقی می توان گفت که روایات فریقین در این باب، تفاوت چندانی دارد و تا حدود زیادی یکسان است.

۶- نزول قرآن و ارتباط آن با بیت المعمور

ظاهر آیات قرآن دلالت بر دو نوع نزول دارد که بر آن دو، نام دفعی و تدریجی گذاشته اند. از بیت المعمور در مباحث مربوط به نزول قرآن به صراحت یاد شده و طبق روایات، نزول دفعی قرآن بر بیت المعمور گزارش شده است.

۶-۱- انواع نزول قرآن طبق آیات قرآن

ظاهر آیه ۱۸۴ سوره بقره و آیه اول سوره قدر، نشان می دهد قرآن در ماه رمضان و شب قدر نازل شده است. از سوی دیگر مفهوم آیه (وَ قَرَأْنَا فَرَقَانَهُ لِنُتَقَرَّهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْثٍ) (اسراء/ ۱۰۶) «قرآن را خرده خرده بر تو نازل کردیم تا با تانی و بی شتاب بر مردم بخوانی» و نیز آیه: (وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً)

(فرقان/۳۲)، به علاوه شواهد مسلم تاریخی، نشان می‌دهد که قرآن پاره پاره، در حوادث خاص و به صورت تدریجی نازل شده است. در بخش روایات به حدیثی اشاره کردیم که امام صادق(ع) این مشکل را حل کرده و فرمود: قرآن یک جا در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شده است، و سپس در مدت بیست سال از بیت المعمور نازل گردیده است (صدوق، ۱۳۸۴: ص ۶۲). در اصول کافی نیز این روایت نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۲۸)، که اگر چه مجلسی راویان آن را ضعیف یا مجهول می‌شمارد، در عین حال انتقاد شیخ مفید از محتوای آن را نادرست می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۸، ص ۲۵۰-۲۵۴). از ابن عباس نیز خبری موجود است که مطابق آن، قرآن دوبار نازل شده: نزول دفعی آن در شب قدر بر بیت المعمور و نزول تدریجی آن در طول رسالت پیامبر اکرم (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۸۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۸۴). با این همه، برخی از مفسران شیعه و سنی، توجیه فوق را نپذیرفته و بیان‌های دیگری ارائه کرده‌اند (معرفت، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۱۱۲-۱۲۴). برخی برای جمع کردن میان این دو دسته از آیات گفته‌اند: قرآن کریم تنها نزول تدریجی داشته و آیاتی که بر نزول قرآن در شب قدر دلالت دارند، اشاره به آغاز نزول قرآن دارند که در شب قدر صورت گرفته، زیرا شروع کارهای مهم و متدرج، مبدأ تحقق آنها به حساب می‌آید. پس به لحاظ مبدأ نزول گفته شده که قرآن در شب قدر نازل شده است. این سخن با ظاهر قرآن سازگاری ندارد؛ زیرا قرآن می‌فرماید: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (قدر/۱) و دلیلی نداریم که ضمیر به بخشی از قرآن برگردد. نیز در سوره مبارکه‌ی «دخان» نخست به قرآن و کتاب مبین قسم یاد نموده سپس می‌فرماید: ما آن را در شب مبارکی نازل کردیم. در این آیه هم مجموع قرآن مقصود است نه بخشی از آن. علاوه بر این قرآن می‌فرماید: (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ) (بقره/۱۸۵). شب قدر هم در ماه مبارک رمضان است، پس اگر منظور اولین نزول قرآن باشد نه همه‌ی آن، آغاز رسالت باید در ماه رمضان باشد. در حالی که تاریخ مسلم امامیه بعثت آن حضرت در ماه رجب می‌شمارد، و اگر منظور آغاز نزول وحی نباشد، اختصاصی برای شب مبارک و لیلَةُ الْقَدْرِ نیست؛ زیرا هر بخش از قرآن در زمانی خاص نازل شده است. بنابراین ماه مبارک و شب مبارک، ظروف نزول قرآن است نه مخصوص آیات آغازین آن. وگرنه باید مبدأ

رسالت ماه مبارک رمضان باشد نه ماه **أَصَبَّ رَجَبٌ** و نه بخشی از مجموع قرآن؛ زیرا در آن صورت، میان ماه رمضان و غیر آن فرقی نبود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۵).

۶-۲- رفع تناقض از دو گونه بودن آیات ناظر بر نزول قرآن

قرآن کریم که تجلی ذات اقدس الله است، بهترین گفتاری است که آیاتش متشابه و مثنی‌اند و با یکدیگر تشابه، هماهنگی و همبستگی دارند. نه تنها اختلاف ندارند بلکه مکمل و تمام‌کننده یکدیگرند. بر این اساس برای هر یک از دو دسته آیات یاد شده محملی است که با محمل دیگر هماهنگ است. برای تبیین انسجام آیات مزبور می‌توان چنین گفت: قرآن کریم دو گونه نزول داشته که یکی به صورت دفعی انجام گرفته و دیگری به صورت تدریجی. هر دسته از آیات مورد اشاره نیز بر یکی از دو گونه نزول دلالت دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ص ۵).

۶-۳- معنای وصف «نزول» برای قرآن

ریشه «نزل» و مشتقات آن که مفهوم «فرود آمدن» دارند، در اصل برای فرود آمدن شیئی مادی از مکانی به مکان دیگر وضع شده است، و در قرآن مجید نیز در برخی آیات به همین معنی به کار رفته است. ولی همانند بسیاری از واژه‌های دیگر، در معنای آن توسعه داده شده و علاوه بر فرود حقیقی، در نزول اعتباری و معنوی نیز به کار رفته است. مقصود از نزول اعتباری آن است که موجودی از درجه بالاتر به درجه پایین‌تر تنزل یابد و به عبارت دیگر از مقام و درجه اعتباری بالاتری به مقام و درجه اعتباری پایین‌تری تنزل نماید. مثلاً در باره پادشاهی که سقوط کرده و مقام اعتباری پادشاهی را از دست می‌دهد و به مقامی فروتر تنزل می‌کند، گفته می‌شود: «نَزَلَ الْمَلِكُ عَنِ عَرْشِهِ» (رجبی، ۱۳۹۳: ص ۷). درباره قرآن مجید ماده نزول در این معنی به کار نرفته است.

اما مقصود از نزول معنوی آن است که موجودی از جهت مرتبه وجودی تنزل یافته و در مرتبه وجودی پایین‌تری جلوه‌گر شود. در این قسم از نزول، موجود از جهت مکان مادی و یا از جهت مقام و اعتبار تغییری نیافته، بلکه وجود آن به مرتبه ضعیف‌تری تنزل یافته است، هر چند از مکانی به مکان پایین‌تر فرود نیامده و نزول قرآن از همین قسم نزول است. در نزول

قرآن تنزل مکانی معنی ندارد، زیرا نازل کننده که خداوند است، و نازل شونده که قرآن یعنی مرحله‌ای از علم الهی است، و واسطه نزول که فرشته وحی است، و نیز مُنزل علیه قرآن که قلب مقدس پیامبر است، هیچ یک مادی نیستند. نزول اعتباری نیز در مورد قرآن بی معنا است، زیرا خداوند در نزول آیات نمی‌خواهد این نکته را بیان فرماید که ما قدر و منزلت قرآن را کاهش دادیم. مقصود از نزول قرآن مجید این است که قرآن دارای حقیقتی بس متعالی است که مرتبه‌ای از علم خداوند است و در مرتبه‌ای عالی از وجود، در لوح محفوظ است، و برای آن که برای ما انسان‌ها قابل فهم شود از آن مرتبه در مراحل متعددی تنزل یافته، تا در نهایت، در قالب الفاظ و عبارات، که مرتبه‌ای بس فروتر و ضعیف‌تر از مرتبه «عنداللهی» است تجلی کرده است (رجبی، ۱۳۹۳: شماره ۱، ص ۷).

۴-۶- مشکلات موجود در جهت قبول یا عدم قبول نزول دفعی

برخی از عالمان، نزول دفعی قرآن را قابل توجیه ندانسته، و از طرف دیگر روایات دال بر آن را نیز تضعیف می‌کنند. اگر چه شیخ صدوق در «الاعتقادات» نزول دفعی قرآن بر بیت المعمور را از عقاید شیعه برشمرده، ولی شاگردش سخن او را رد می‌کند. شیخ مفید این اعتقاد را مبتنی بر خبر واحدی که موجب علم و یقین نیست دانسته می‌نویسد: «این حرف به مذهب مشبهه برانزده‌تر است زیرا آن‌ها گمان می‌کنند خداوند در ازل به قرآن تکلم کرده و از آینده به لفظ ماضی خبر داده و این را اهل توحید رد کرده اند» (مفید، ۱۴۱۴: ص ۱۲۳). چنین کسانی که نزول دفعی را نمی‌پذیرند باید به سه سؤال جدی پاسخ دهند. اولاً اگر نزول دفعی اتفاق نیفتاده، و روایات هم قابل قبول نیست، پس بیت المعمور که در سوره طور ذکر شده، کجاست و ارتباطش با قرآن چیست؟ ثانیاً آیاتی که مشتمل بر نزول قرآن هستند، و نمی‌توان ضمائر آنها را محدود به آغاز نزول نمود، به چه معنا هستند؟ و ثالثاً موضوع آغاز بعثت با مسئله نزول قرآن چگونه حل می‌شود؟!

در مقابل، کسانی که نزول دفعی را پذیرفته‌اند، با مشکل کمتری مواجه هستند. طبق روایت، هم جایگاه بیت المعمور روشن است، و هم آیات به درستی در جای خود قرار می‌گیرند، و هم در موضوع زمان بعثت مشکلی پیش نمی‌آید. فقط موضوع باقی مانده این است که با

توجه به آنکه آیات قرآن بر اساس وقایعی در طول زمان ها نازل شده اند، نزول دفعی چنین وقایعی چه معنا دارد؟

۵-۶- معنای «دفعی نازل شدن قرآن» از دیدگاه معتقدان

برخی از قائلین این نظر می‌گویند: نزول دفعی بر قلب پیامبر(ص) در شب قدر صورت گرفته و آغاز نزول تدریجی در شب مبعث است به این معنا که همه‌ی قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل شده ولی مأمور به ابلاغ آن به مردم نبودند. این توجیه مشکل را حل نمی‌کند، زیرا چطور می‌شود وقایعی که هنوز اتفاق نیفتاده به تفصیل بر پیامبر خوانده شود. برخی دیگر تفاوت دو نزول را در اجمال و تفصیل می‌دانند که به نظر قابل قبول می‌رسد. در تفسیر «المیزان» آمده: «قرآن کریم در دو مرتبه نازل شده است؛ مرتبه‌ای از آن بسیط و یکپارچه و مصون از تغییر است و مرتبه‌ی دیگر آن به صورت تفصیلی و غیر بسیط است و صلاحیت تغییر و تحول به گونه‌ی ناسخ و منسوخ و مانند آن را دارد. آنچه در شب مبارک قدر بر قلب مطهر رسول اکرم(ص) نازل شده همان مرتبه بسیط قرآن است و آنچه طی دوران رسالت بر نبی اکرم(ص) نازل شده همان مرتبه تفصیلی و غیر بسیط است که با ناسخ و منسوخ همراه است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۸-۱۵). بر این اساس، کلیات شرع و دستورات الهی بطور اجمال بر پیامبر نازل شده تا در جریان کلی امور قرار گرفته و از اهداف عام رسالتش با خبر باشد.

۶-۶- تفکیک میان زمان مبعث و آغاز نزول قرآن

کسانی که نزول دفعی را نمی‌پذیرند ناگزیر باید آغاز نزول قرآن را توجیه کنند. از جمله شیخ مفید و ابن شهر آشوب برآنند که مراد از نزول قرآن در شب قدر، فقط نزول آیات نخستین سوره علق است ولی زمان مبعث با نزول اولین آیات سوره علق هم زمان نبوده و احتمالاً مبعث با نزول قرآن همراه نبوده است. مرحوم معرفت نیز می‌نویسد: «روز مبعث رسول اکرم(ص) بیست و هفتم رجب است اما آغاز نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی در شب قدر از ماه رمضان، سه سال بعد از مبعث بوده است». حال این مشکل پیش می‌آید که اگر چنین بوده،

آیات سوره علق هنگام بعثت نازل شدند یا نه؟ ایشان بر آن است که سوره علق هم زمان با بعثت نیز نازل شده، پس دوبار نازل شده است (معرفت، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۷۸-۷۶).

گفتنی است که برخی روایات، آغاز بعثت را در ماه رجب گزارش کرده‌اند ولی بر نزول قرآن همراه با آن تأکیدی ندارند. فقط تصریح دارند که رسول خدا(ص) در سن چهل سالگی پیامبر شد و بعداً نزول قرآن آغاز گردید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۸، ص ۲۰۴-۱۸۹؛ ج ۹۴، ص ۵۱).

از طرف دیگر برخی روایات، به نزول قرآن در رمضان تصریح داشته و اولین آیات نازل را آیات ابتدائی سوره علق می دانند. فضل بن شاذان می گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که فرمود: ماه رمضان ماهی است که خدای تعالی در آن قرآن را نازل کرد تا راهنمایی برای مردم و دلایل روشنی از هدایت و تمیز حق از باطل باشد. همچنین از امام رضا(ع) درباره اولین آیات نازل شده آمده است که: «أَوَّلُ سُورَةٍ نَزَلَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۷). این روایت بر اساس قرائن موجود و آیات قرآن تأیید می شود، از جمله توجه به روایاتی که نزول آیات نخستین سوره علق را در غار حرا گزارش می کنند. همچنین با روایاتی که صراحت دارند زمان نزول نخستین آیات قرآن در ماه رمضان بوده، سازگار است (زرقانی، ۱۹۹۱: ج ۱، ص ۸) با توجه به اینکه تحنث‌های پیامبر اکرم(ص) در ماه رمضان بوده و گزارش های تاریخی نیز حاکی از آن است که پس از بعثت، پیامبر اکرم(ص) به جای تحنث در غار، دهه اول یا وسط یا آخر ماه مبارک رمضان در مسجد اعتکاف می کردند و در تاریخ عرب این انزوای یک ماهه را حاکی از احترام به ماه رمضان دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۰)، به نظر می رسد احترام به ماه رمضان از سوی پیامبر(ص) به جهت نزول قرآن بوده است، چنانچه سوره قدر هم بر این ادعا صحه می گذارد.

نتیجه

۱- «البیت المعمور» ترکیب وصفی است که در چهارمین آیه سوره طور بدان قسم یاد شده است، و قبل از آن نیز سه قسم دیگر وجود دارد که در مورد آنها نیز اختلاف نظر وجود دارد. اولین قسم به «طور» و مراد از آن مطلق کوه ها، و یا کوه طور می باشد. دومین قسم به «کتاب مسطور» است که مفسران، مراد از آن را لوح محفوظ، یا همه کتب آسمانی، یا قرآن و یا تورات می دانند. سومین قسم، «رق منشور» است که با توجه به قسم دوم معنا می شود. بعد از آن هم قسم به «سقف مرفوع» و «بحر مسجور» آمده است. مفسران در معنای این ترکیب وصفی طبق روایات موجود، چند رأی دارند. برخی آنها کعبه می دانند که با حضور حاجیان، آباد می شود. برخی آنها قلب مؤمن می دانند که با اخلاص و معرفت آباد می گردد، و گروهی آنها خانه ای می دانند در آسمان چهارم که محاذی و مقابل کعبه است، به طوری که اگر سقوط کند، بر روی کعبه می افتد، و آباد شدن آن به واسطه حضور ملائکه فراوان است. و نظر اخیر را غالب مفسران پذیرفته اند.

۲- همواره بحث از این ترکیب وصفی، با نزول قرآن مرتبط می شود، زیرا طبق روایت حفص بن غیاث از امام صادق(ع) قرآن یکباره در ماه رمضان بر بیت المعمور نازل شده، و سپس نزول تدریجی داشته است. شایان ذکر است که در مقدمه نهم تفسیر صافی، بیت المعمور به قلب پیامبر(ص) تأویل شده است. مشابه روایات شیعه، در بین مفسران عامه نیز وجود دارد، و تنها گاه بجای بیت المعمور، بیت العزه ذکر گردیده است.

منابع

«قرآن کریم»:

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۴ق)، «امالی»، قم: وحدت بخش.
۳. ----- (۱۳۸۵ق)، «علل الشرائع»، قم: کتاب فروشی داوری..
۴. ----- (۱۳۷۸ق)، «عیون اخبار الرضا ع»، محقق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، «زاد المسیر فی علم التفسیر»، بیروت: دار الکتب العربی.
۶. ابن درید، محمد بن حسن (بی تا)، «جمهره اللغه»، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، «التحریر و التنویر»، بیروت: مؤسسه التاریخ، چاپ اول.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا)، «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دار احیاء التراث.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، «لسان العرب»، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۱۰. ابوالسعود، (۱۴۱۱ق)، «ارشاد العقل السلیم»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۲. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۹ق)، «البرهان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
۱۳. بصری، حسن (۱۹۹۲م)، «تفسیر حسن بصری»، تحقیق محمد عبد الرحیم، قاهره: بی نا.
۱۴. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۲ق)، «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور»، بیروت: دار الصاد.
۱۵. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق)، «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، «تفسیر تسنیم»، قم: اسراء.
۱۷. ----- (۱۳۷۷ش)، «صهباى حج»، قم: اسراء.
۱۸. ----- (۱۳۹۲ش)، «چگونگی نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم»، فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی، دوره ی دهم، شماره ی ۴.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا)، «الصحاح»، بیروت: بی نا، چاپ اول.

۲۰. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، «تفسیر روح البیان»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش)، «المفردات فی غریب القرآن»، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم.
۲۲. رجیبی، محمود (۱۳۹۳ش)، «گفتاری درباره‌ی نزول قرآن»، فصلنامه معرفت، شماره ۱، ۲۵ مرداد.
۲۳. زرقانی، محمدعبدالعظیم (۱۹۹۱م)، «مناهل العرفان فی علوم القرآن»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۲۴. زمخشری محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۵. زنجانی، ابوعبدالله (۱۳۴۱ق)، «تاریخ قرآن»، ترجمه ابوالقاسم سحاب، تبریز: انتشارات سروش.
۲۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۷ق)، «الاتقان فی علوم القرآن»، بیروت: دار ابن کثیر.
۲۷. ----- (۱۴۰۴ق)، «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۳۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار المعرفه.
۳۱. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، «مجمع البحرین»، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ سوم.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۳. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸ش)، «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات اسلام.
۳۴. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، «مفاتیح الغیب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، «کتاب العین»، قم: هجرت، چاپ دوم.
۳۶. فیض کاشانی ملا محسن (۱۴۱۵ق)، «تفسیر صافی»، تهران: انتشارات الصدر.
۳۷. قرشی، علی اکبر (۱۳۶۶ش)، «تفسیر احسن الحدیث»، تهران: بنیاد بعثت.
۳۸. قرطبی محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، «کنز الدقائق و بحر الغرائب»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، «الکافی»، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۴۱. کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹ش)، «تفسیر مواهب علیه»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۴۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول»، محقق و مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، «بحار الأنوار»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، «تصحیح اعتقادات الإمامیة»، محقق و مصحح: حسین درگاهی، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش)، «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۶. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۶ق)، «التمهید فی علوم القرآن»، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ سوم.
۴۷. میدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، «کشف الأسرار و عدة الأبرار»، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۴۸. یونس خطیب، عبد الکریم (بی تا)، «التفسیر القرآنی للقرآن»، قاهره: دار الفکر العربی.